

می‌نماید. به نظر وی مرز و بوم‌های جغرافیایی و اعتقاد به رنگ و نسل و حسب و نسب و قومیت یا ملیت ترندهای استعماری است که اسلام بر همه آنها خط بطلان کشیده است و تنها معیار واقعی در اسلام همان ایمان مسلمانان است که در این صورت همه مرزها از بین رفته و جز مرز عقیده چیزی باقی نمی‌ماند و از این رو بر پایه ایمان، محورها و مبانی بنیادین را مطرح می‌کند که می‌تواند نقش اساسی در اتحاد مسلمانان داشته باشد و یا به عبارتی لازمه این اعتقادات اتحاد است نه چیز دیگر. اساسی‌ترین این محورها عبارت است از: توحید، نبوت، قرآن، و کعبه مکرمه.

در عصر کنونی مسلمانان جهان بیش از همه به تدبر و اندیشه در این محورها نیاز دارند. ما شاهدیم که در عصر کنونی بیش از همه، همین محورها از سوی دشمنان اتحاد مسلمین مورد حمله قرار گرفته است، زیرا آنها می‌دانند که وحدت مسلمین حول این محورها قدرتی را پدید خواهد آورد که هیچ ابرقدرتی توان مقابله با آن را نخواهد داشت. وقت آن رسیده است که مسلمانان بار دیگر به این عقاید اساسی و بنیادین توجه نموده و در سایه آن پرچم اتحاد اسلامی را در سراسر گیتی به اهتزاز درآورند.

منابع و مأخذ

۱. اقبال، جاوید، *زندگی و افکار علامه اقبال لاهوری*، ترجمه: دکتر شهیندخت کامران مقدم صفیاری، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ج ۱، ۱۳۷۲.
۲. اقبال، محمد، *احیای فکر دینی در اسلام*، ترجمه: احمد آرام، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ئی، تهران، ۱۳۴۶.
۳. _____، *کلیات اقبال (اردو)*، ندیم یونس پرنتر، لاهور.
۴. _____، *کلیات اقبال (فارسی)*، با مقدمه احمد سروش، انتشارات سنایی، تهران، ۱۳۷۶.
۵. _____، *رموز بیخودی*، انتشارات کوه نور پریس، دهلی نو، ۱۹۹۷.
۶. رفیع‌الدین، محمد، *اندیشه‌های اسلامی اقبال*، ترجمه: سید غلام‌رضا سعیدی، انتشارات دین و دانش، تهران، ۱۳۴۷.
۷. سعیدی، سید غلام‌رضا، *اقبال‌شناسی: هنر و اندیشه محمد اقبال*، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۳۸.
۸. *کلیات اقبال*، با اهتمام، پروین قائمی، پیمان، تهران، ۱۳۸۲.
۹. هاشمی، رفیع‌الدین، *نامه‌های اقبال*.



فرقه أحباش

(جمعیة المشارع الخیرية)

جلال محمودی^۱

چکیده

«أحباش» نامی است که بر پیروان شیخ عبدالله هرری حبشی عبدری اطلاق می‌گردد. البته بعد از تسلط بر «جمعیة المشارع الخیریه» لبنان به این نام نیز معروف شده‌اند. عبدالله حبشی در سال ۱۹۵۰م/۱۳۶۹ق، به کمک تعدادی از شاگردانش این فرقه را تأسیس نمود.

شناخت فرقه أحباش به لحاظ حضور مؤثر آنان در جامعه لبنان و نیز دیگر کشورهای اسلامی و بعضی از کشورهای غیراسلامی، بسیار اهمیت دارد. با وجود صوفی‌مسلك بودن جمعیت أحباش، شیخ عبدالله با تربیت نسلی از شاگردان توانمند توانسته است در دنیای اسلام، و به ویژه لبنان، وزنه‌ای تأثیرگذار در معادلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به شمار آید. اندیشه‌های تصوفی شیخ عبدالله و پیروانش، وی را به دشمن سرسخت جریان سلفی‌گری و به خصوص وهابیان تبدیل کرده است.

أحباش به لحاظ اعتقادی پیرو مذهب اشاعره متأخر - که به جهیمیه نزدیک‌اند - مرجئه، امامیه، و طرق صوفیه رفاعیه و نقشبندیه می‌باشند.

نگارنده سعی کرده است با روش توصیفی - تحلیلی و بررسی منابع اصلی فرقه أحباش، و نیز نگاشته‌های مخالفان آنان، برای اولین بار در ایران و به زبان فارسی، نگاشته‌ای درباره فرقه أحباش در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی ارائه نماید.

واژگان کلیدی: أحباش، جریان سلفی‌گری، صوفی‌گری، اشاعره.

۱- کارشناس ارشد تاریخ اسلام.

گسترش تفکر تصوف غیرمدرسی به شکلی وسیع در سرزمین‌های اسلامی و در بعضی موارد با حمایت خاندان‌های حکومت‌گر، موجب مخالفت شدید با آنان از جانب نخبگان فرهنگی مسلمان شد؛ این کشاکش تقریباً بسته به نوع رویکرد حکومت‌ها، شکل‌های متفاوتی به خود گرفته است.

یکی از این فرقه‌های متصوفه در دوره معاصر «أحباش» لبنان می‌باشند. این فرقه در سال ۱۹۵۰ میلادی توسط شیخ عبدالله حبشی هرری عبدری رفاعی پایه‌گذاری شد. أحباش به لحاظ فقهی پیرو مکتب فقهی محمد بن ادریس شافعی می‌باشند. أحباش با نام «جمعية المشاريع الخيرية» امروزه در کشورهای اسلامی، به ویژه لبنان، شناخته شده هستند. پیدایش أحباش و مخالفت سرسختانه با سلفیون در دوره معاصر سؤالات فراوانی را به ذهن متبادر می‌کند. احباش با فیصل مولوی، فتحی یکن، سید قطب، یوسف قرضاوی و... که همه در حقیقت وامدار تفکرات ابن تیمیّه هستند، به شدت مخالف می‌باشند. در جهان تسنن امروز دو رویکرد کلی نسبت به شریعت وجود دارد: یکی سنی‌مذهبان صوفی‌مسلك، با عنوان کلی «اهل طریقت»، و دیگری طیف مخالف تصوف. هر دو گروه به سیره نبوی و کتاب خدا استناد می‌کنند. نمایندگان طیف اول عبارت‌اند از طریقت‌های مختلف تصوف در جهان اسلام که أحباش نیز یکی از ایشان می‌باشند. در طرف مقابل می‌توان از اخوان المسلمین، سلفیون (وهابی‌ها) و... دیگران نام برد.

در این مقاله تلاش می‌شود در دو بخش فرقه احباش به جامعه فارسی زبان معرفی گردد؛ بخش اول: معرفی شیخ عبدالله حبشی هرری، پیدایش، شکل‌گیری و فعالیت‌های فرقه أحباش؛ بخش دوم: مبانی و آرای اعتقادی أحباش و موضع آنان در قبال سایر فرقه‌های اسلامی.

بخش اول

(معرفی شیخ عبدالله حبشی هرری، پیدایش، شکل‌گیری و فعالیت‌های فرقه أحباش) شیخ عبدالله هرری کیست؟

شیخ عبدالله حبشی هرری؛ شیخ ابو عبدالرحمن عبدالله بن محمد بن یوسف بن عبدالله بن جامع هرر الشیبی عبدری القرشی (دمشقیه، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۰. [پيروان حبشی گمان می‌برند که وی از سلاله نبوی می‌باشد، به همین دلیل کلمه «قرشی» را به اسم وی افزوده‌اند: به نقل از موسوعة اهل السنه] مفتی هرر، در حدود سال ۱۳۳۹ق/ ۱۹۲۰م، در شهر هرر متولد شد.

وی پس از خواندن کتاب‌های پایه در علوم دینی، به کتاب‌های حدیثی روی آورد و کتاب‌های سته [در حدیث] و سایر کتاب‌های حدیثی را همراه با اسانید آن مطالعه و حفظ نمود، به‌گونه‌ای که هنوز به سن هجده سالگی نرسیده بود که اجازه فتوا و روایت حدیث را پیدا کرد. (حبشی، ۱۴۱۰ق، ص ۵-۱۲). نویسنده «زندگی‌نامه عبدالله هرری» بیان می‌کند که او برای فراگیری علم تنها به مسقط‌الرأس خود بسنده نکرد بلکه به صومالی و سایر نقاط حبشه نیز راهی شد. (پیشین).

عبدالله هرری مدتی بعد عازم مکه و مدینه گردید؛ به کتابخانه عارف حکمت و کتابخانه محمودیه برای مطالعه و بررسی نسخ خطی مراجعه نمود و حدود یک سال در مدینه مقیم شد. (پیشین).

وی در اواخر دهه پنجاه میلادی قرن بیستم، به بیت‌المقدس مسافرت کرد و از آن‌جا عازم دمشق شد و چون ورود وی با فوت محدث دمشق، شیخ بدرالدین حسنی هم‌زمان بود، به وی القاب «خلیفه شیخ بدرالدین حسنی» و «محدث ديار شام»، داده‌اند. (پیشین). شیخ عبدالله در سال ۱۳۷۰ق/ ۱۹۵۰م (جهنی، ۱۴۲۰م، ج ۱، ص ۴۲۷) به بیروت رفت. (حبشی، پیشین، ۱۴۲۰ق، ص ۳-۹). نکته قابل توجه در مطالعه زندگی‌نامه هرری این است که نویسنده زندگی‌نامه در هیچ یک از کتاب‌ها مشخص نیست. این بیوگرافی، حتی در مقدمه کتاب‌های خود شیخ عبدالله نیز آمده است.

عبدالله هرری و تصوف

انسان فرزند محیطی است که در آن زندگی می‌کند و از اجتماعی که در آن حضور دارد متأثر می‌گردد. شیخ عبدالله حبشی در محیطی که در آن موج طریقت‌های صوفیانه در حال انتشار و توسعه بود، پرورش یافت. از بارزترین این طریقت‌ها می‌توان از طریقت قادریه، نام برد؛ طریقتی که شیخ عبدالله آن را به همراه طریقت رفاعیه برترین طریقت‌ها می‌نامد. تصوف در محیط پرورش و تربیت شیخ عبدالله سابقه‌ای طولانی داشت. (شهرانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۱ به نقل از: السياسات الثقافیة فی الصومال الکبیر، ص ۴۰).

طریقت صوفیه قادریه قدیمی‌ترین و اولین فرقه صوفیه‌ای است که وارد صومالی شده است. هم-اینک نیز فرقه صوفیه قادریه، از پرطرفدارترین فرقه‌های تصوف در کل منطقه صومالی می‌باشد. (پیشین، ص ۴۱ و ۴۸).

در چنین منطقه‌ای که میراث‌دار تصوف از گذشته‌های دور بود، شیخ عبدالله هرری حبشی پرورش یافت. وی به طریقت قادریه پیوست و عنوان «خلیفیت» را در آن طریقت کسب کرد. شیخ عبدالله حبشی هرری در برهه‌ای به طریقت تیجانیه نیز روی آورد، اما پس از مدتی از آن جدا شد و در مقابل آن موضع‌گیری کرد. (پیشین، ص ۴۳).

شیخ عبدالله و درگیری‌های هرر

شیخ عبدالله حبشی در شهر «هرر» که زیر سلطه پادشاه مسیحی بود، متولد گردید. این شهر امروزه در قلمرو سرزمین اتیوپی قرار دارد. هرر - محل تولد شیخ عبدالله حبشی - در حقیقت نماینده و مرکز اعتقادات اسلام نه تنها در اتیوپی بلکه در کل شاخ آفریقا می‌باشد.

۱- هرر یک امارت اسلامی قدیمی بوده است.

مسلمانان آگاه از وضعیت اسفبار هرره بعد از حمله مسیحیان و جنایتی که مرتکب شدند به فکر چاره‌اندیشی افتادند، زیرا استقبال از تصوف دنیاگریز، مسلمانان را کاملاً از صحنه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و هرره حذف می‌نمود. (هرری، پیشین، بی تا، ص ۵). نتیجه این چاره‌اندیشی، تأسیس «جمعیت ملیب اسلامی هرره» بود. حکومت از روی ناچاری و اضطرار، به این جمعیت اجازه فعالیت داد، با این شرط که در مسائل سیاسی دخالت نکند (همان). البته علمای اسلامی در این راه با مشکلاتی جدا از جانب حکومت مسیحی، برخورد کردند. از جمله این مشکلات، همکاری عده‌ای از مسلمانان با حکومت، بود:

« مخالفان شیخ عبدالله حبشی معتقدند که وی از جمله این علما بوده است و با حکومت مسیحی اتیوپی همراهی می‌کرده است و دائماً بین آدیس‌آبابا و هرره در رفت و آمد بوده است به گونه‌ای که به وی لقب «شیخ فتنه و آشوب» داده‌اند؛ و برای این ادعای خود مستندات نیز عرضه می‌کنند. شاید به دنبال همین درگیری‌ها و اختلافات شیخ عبدالله هرری با سایر علمای هرره بوده است که وی از هرره خارج شده و راهی آدیس‌آبابا و از آن‌جا مکه مکرمه می‌گردد. طرفدارن وی معتقدند که شیخ عبدالله برای دفاع از حقوق و مصالح ساکنان هرره ضد «هیلاسسیلاسی» طاغوتی، هرره را ترک کرد» (حبشی، المقالات السنیه فی کشف ضلالت احمد بن تیمیه، ۱۷۴۱ق، ص ۲۲۳). استاد اسعد سحمرانی می‌گوید: «شیخ عبدالله نه به علت درگیری با دیگر جمعیت‌های اسلامی، بلکه به علت درگیری با حاکم مسیحی هرره، از آن‌جا گریخته است» (مصاحبه با ا. د. اسعد سحمرانی [کنفرانس وحدت اسلامی سال ۱۳۸۶]).

استقرار در لبنان

شیخ عبدالله پس از خروج از حبشه راهی مکه، مدینه و سوریه گردید. وی چون در سوریه نتوانست جایگاهی برای خود تدارک ببیند، به دعوت طلبه‌های لبنانی، راهی آن‌جا شده و از سال ۱۳۷۹ق/۱۹۶۰م، در بیروت سکونت گزید. (نجیمی، ۵۹/۱ به نقل از: المجله، شماره ۶۷۹، ص ۲۲).

پس از حضور در لبنان و کسب اجازه اقامت در آن‌جا، طلبه‌های علوم دینی دور وی جمع شدند. شیخ از دورانی که در سوریه اقامت داشت به لبنان می‌رفت و سخنرانی‌هایی هم در آن‌جا ایراد می‌کرد. این طلبه‌ها برای شیخ شروع به تبلیغ نمودند و چون شرایط لبنان به گونه‌ای بود که کسی نمی‌توانست مانع انتشار افکار شیخ عبدالله شود، کم‌کم آوازه وی تمام لبنان را فراگرفت. شیخ عبدالله در بیروت در منطقه «برج ابی‌حیدر» مستقر گردید. این منطقه اکنون مقر اصلی احباش در لبنان می‌باشد. بعد از بیروت، شهر طرابلس در شمال لبنان پایگاه دوم ایشان به شمار می‌رود. از سال ۱۹۶۰م تاکنون شیخ عبدالله در مقر اصلی خود در منطقه برج ابی‌حیدر ساکن بوده است. (پیشین).

تصنیفات و آثار

عبدالله هرری بعد از استقرار در لبنان و جمع شدن شاگرانی پیرامون او، به تألیف و شرح کتاب‌های مختلف اقدام نمود. بعضی از مهم‌ترین آثار وی عبارت است از: ۱- «بغیة الطالب لمعرفة العلم الدینی الواجب»: این کتاب برای اولین بار در سال ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م، چاپ شده است. در این کتاب به نویسنده اصلی اشاره نشده است، چون در اصل، این کتاب اختصار شده کتاب دیگری است. شیخ درباره کتاب می‌گوید: «این کتاب مختصر کاملی است از اغلب ضروریات دینی که هر مکلفی ملزم به دانستن آنها می‌باشد؛ در زمینه‌های اعتقادی، مسایل فقهی مثل طهارت، حج، احکام معاملات مطابق مذهب امام شافعی، سپس تبیین معاصی قلب و جوارح و زبان» (حبشی، بغیة الطالب لمعرفة العلم الدینی الواجب، ۱۴۰۷ق، ص ۵)؛

۲- «مختصر عبدالله الهرری الکافل بعلم الدین الضروري»: این کتاب خلاصه کتاب «سلم التوفیق» عبدالله بن حسین حضرمی، می‌باشد. در این کتاب از مباحث فقهی بحث شده است؛

۳- «إظهار العقیة السنیة بشرح العقیة الطحاویة»: این کتاب شرح کتاب «عقیده طحاوی» در کلام و صفات ... می‌باشد؛

۴- «المطالب الوفیة شرح العقیة النسفیة»: در این کتاب شیخ عبدالله شرح سعدالدین تفتازانی را با شرح نسفی در هم آمیخته است؛

۵- «الصراط المستقیم»؛

۶- «الدلیل القویم علی الصراط المستقیم»: شیخ عبدالله در این کتاب تلاش کرده است به مثابه یکی از علمای کلام وارد مباحث کلامی شود و ادله وجود خدا را عرضه نماید؛

۷- «التعقب الحثیث علی من طعن فیما صحّ من الحدیث»: وی این کتاب را در ردّ البانی نگاشته و اقوال وی را تکذیب نموده است؛

۸- «نصرة التعقب الحثیث علی من طعن فیما صحّ من الحدیث»: شیخ عبدالله این کتاب را نیز در ردّ البانی نگاشته است؛

۹- «المولد الشریف»؛

۱۰- «الروائح الزکیة فی مولد خیر البریة»: در این کتاب قصص مختلف از سیره نبوی آمده است. شیخ عبدالله در این کتاب دلایل خود را درباره برگزاری جشن میلاد نبوی ارائه نموده است؛

۱۱- «صریح البیان فی الرد علی من خالف القرآن فأنکر کفر ساب النبوی»: شیخ عبدالله این کتاب را در ردّ یکی از دعوات لبنان به نام شیخ «خالد کنعان» امام و خطیب مسجد البرج واقع در بقاع نگاشته است (حبشی، ۱۴۱۰ق، ص ۵-۱۲؛ هرری، پیشین، ص ۳-۹).

تسمیه «أحباش»

«أحباش» در ابتدا نسبت به این نام روی خوش نشان نداده و نام «أتباع الجمعیه» یا «المشاریعیون» را می‌پسندیدند، اما بعد از این‌که اسم «الأحباش» در جراید و رسانه‌ها شیوع پیدا کرد، به ناچار آن‌را پذیرفتند. البته أحباش به دو اسم دیگر نیز شناخته شده هستند: «هرریه» و «حبشیه». ناگفته پیدا است که «أحباش» به «شیخ عبدالله هرری حبشی» منتسب هستند. کم‌کم خود أحباش نیز به این تسمیه راضی شدند، چنان‌که «طه ناجی» رهبر ایشان در طرابلس در جشن میلاد نبوی گفت: «أحباش آن‌چنان‌که ما را می‌نامند منسوب است به شیخ عبدالله هرری عربی قرشی معروف به حبشی» (نجیمی، ۸۳/۱ به نقل از: منار الهدی (۳۶/۱۲)). معمولاً فرقه‌ها اسم خود را از مؤسسين خود وام می‌گیرند. این قاعده در مورد أحباش نیز صادق می‌باشد.

پیدایش و تأسیس

شیخ عبدالله پس از استقرار در لبنان و ازدیاد شاگردانش، بذره‌های شکل‌گیری فرقه خود را کاشت. با ترویج افکار شیخ در لبنان، این مهم عملی شد. نزار حلبی شکل اجتماعات پیرامون شیخ عبدالله را زمانی که در مسجد برج ابي حیدر در سال ۱۹۶۹م / ۱۳۸۸ق، به صورت رسمی و دائمی مستقر شده بود، این‌گونه بیان می‌کند:

«نحوه حضور اجتماع در حضور شیخ بر طریقه شیخی و مریدی بود ... شیخ دروس خود را عرضه می‌کرد و ما مریدانی برای وی و مردمانی جدید، به سویی دعوت می‌کردیم و افکار شیخ را تفسیر می‌کردیم» (جماعة من الباحثين، ۲۰۰۰م، ج ۱، ص ۶۷۳).

آن‌چه از فحوای سخنان نزار حلبی و سایر شاگردان طراز اول شیخ عبدالله هرری برمی‌آید این است که شیخ عبدالله آن زمان اصلاً به شکل وسیع و رسمی، در فکر تأسیس جمعیتی خاص و یا حزب و فرقه‌ای نبوده است.

با نواخته شدن طبل جنگ داخلی و طایفه‌ای در لبنان - بین سال‌های (۱۹۷۵-۱۹۸۲م) - پیروان شیخ عبدالله به توصیه شیخ درگیر جنگ‌های داخلی لبنان نشدند. مریدان شیخ اگر چه کم بودند ولی تبلیغات وسیعی را شروع کردند: «و از فرصت به دست آمده کمال استفاده را برای تبلیغ و نفوذ در لایه‌های اجتماعی لبنان بردند» (نجیمی، ۸۸/۱ به نقل از: مقاله «من أرسل الشيخ عبدالله إلى لبنان» رفیق الزین در مجله الوطن العربی (شماره ۹۰۸-۲۹/۷/۱۹۹۴م، ص ۱۲)). به طور کلی موضع‌گیری أحباش در طی جنگ‌های داخلی - طایفه‌ای لبنان، مشخص نیست و این خود بر پیچیدگی روابط آنان افزوده است. علاوه بر این، به هنگام اشغال لبنان توسط اسرائیل، باز موضع أحباش مبهم است. این وضعیت باعث شده است از جانب عده‌ای، أحباش به حمایت از حمله اسرائیل متهم شوند. (همان). «حسان قراقیره - رئیس کنونی أحباش - درباره این جنگ می‌گوید: در خلال اشغال بیروت توسط اسرائیل در

سال ۱۹۸۲م، ما از بیروت دفاع کردیم بدون این‌که حتی یک کشته بدهیم» (پیشین، ص ۸۹، به نقل از: روزنامه السفير (۱۹/۱۰/۱۹۹۲م)).

با خروج اسرائیلی‌ها از لبنان در سال ۱۹۸۲م، تغییر و تحول اساسی در أحباش ایجاد شد، بدین ترتیب که: «بعد از پایان اشغال بیروت، أحباش باز با قدرت به فعالیت‌های علنی خود در جامعه برگشتند. دروس دینی به صورت دوره‌ای در منزل شاگردان قدیمی ترتیب داده شد، هم‌چنین تعدادی از کسانی که در ابتدای شروع جنگ از أحباش جدا شدند، دوباره به جمعیت أحباش پیوستند. (پیشین، به نقل از: الاحباش تاریخاً و منهجاً - روزنامه النهار ۱۲/۹/۱۹۹۲م). أحباش در ادامه این فعالیت‌ها، اختیار جمعیت‌المشاریع الخیریه را نیز در دست گرفتند و قدرتمندانه در صحنه‌های اجتماعی و فرهنگی لبنان وارد شدند.

این اولین گام أحباش برای حضور در جامعه طایفه‌ای لبنان بود. آزادی نسبی که خود ثمره این طایفه‌ای بودن لبنان است باعث شد أحباش بدون کوچک‌ترین مزاحمتی به عرصه فرهنگی لبنان وارد شوند و جمعیت‌المشاریع الخیریه را در اختیار گیرند. شیخ عبدالله و شاگردان هوشمندش، زیرکانه وارد جنگ‌های طایفه‌ای داخلی لبنان نشدند و این در حالی بود که همه احزاب و تشکله‌ها، درگیر آن شدند. شیخ و پیروان راستینش از این فرصت به دست آمده کمال استفاده را بردند و در حالی که دیگران انرژی و توان خود را از دست می‌دادند، اینان روز به روز بر قدرت خود می‌افزودند، به گونه‌ای که بعد از جنگ همه مات و مبهوت قدرت أحباش شدند؛ از این رو آنها به حمایت از جانب اسرائیل متهم شدند، به ویژه این‌که وارد جریان جنگ نیز نشده بودند و کمترین آسیب را از جنگ دیده بودند. علاوه بر این، توان مالی آنان و اعلام موجودیت بلافاصله بعد از خروج اسرائیل، احتمال قوت این اتهام برای کسانی که آن‌را مطرح کرده بودند، بیشتر شد.

فعالیت‌ها و دامنه قلمرو

أحباش به‌مثابه یک قدرت اجتماعی و فکری فعال در سطح کشور لبنان ظاهر شدند. از سال ۱۹۸۲م که أحباش «جمعیت‌المشاریع الخیریه الاسلامیه» را در اختیار گرفتند، تحوّل بارز در استراتژی أحباش هم در بعد علمی و هم در بعد دعوتی (تبلیغاتی) به وجود آمده است. آنها با ارائه دروس و جلسات در مساجد و خانه‌ها، به کار سازمانی و انجام پروژه‌هایی که در ترسیم وجه عینی أحباش در جامعه لبنان بسیار اثرگذار بوده، روی آورده‌اند. آنها هم‌چنین در سال ۱۹۹۲م/۱۴۱۲ق، با حضور فعال در انتخابات و با دو کاندید به صورت عملی و رسمی وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی شدند. (جماعة من الباحثين، ص ۶۸۱). در عرصه آموزشی، أحباش در سه زمینه فعالیت می‌کنند: الف - آموزش علوم دینی و شرعی برای تربیت نسلی از مشایخ جمعیت‌المشاریع الخیریه؛ ب - آموزش و پرورش مدنی در دو سطح رسمی و فوق برنامه؛ ج - تألیف و تحقیق کتاب‌های دینی مربوط به اعتقادات و سایر زمینه‌ها مانند: فقه، کلام، و زبان عربی.

احباش با پشتوانه سیاسی و برنامه آموزشی منظم وارد عرصه اجتماع شدند تا بتوانند به صورت کامل در میان لایه‌های مختلف و متنوع جامعه نفوذ کنند. به این ترتیب یک فرد عضو احباش جذب مؤسسات و فعالیت‌های متنوع جمعیت می‌شود. از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به تأسیس باشگاه‌های ورزشی برای پسران و دختران؛ فعالیت‌های پیش‌آهنگی؛ تأسیس مراکز مهارت‌ها و فعالیت‌های بانوان و تأسیس باشگاه‌های ویژه کودکان و... اشاره نمود. احباش به لحاظ اداری و سازمان داخلی تلاش می‌کنند امور مربوط به جمعیت و فعالیت‌های آن را به‌رغم تعدد و تکثر آن‌ها به خوبی اداره نمایند. آنها در تمامی استان‌های لبنان و نیز در خارج از لبنان در کشورهای مختلف شعبه‌های وابسته به مرکز اصلی در لبنان تأسیس نموده‌اند. علاوه بر این، دفاتر اختصاصی بسیاری در زمینه‌های مختلف تأسیس نموده‌اند. تمامی این مؤسسات، شعبه‌ها و دفاتر به وسیله یک سازمان مرکزی اداره می‌شود. این وحدت رویه باعث شده است که مثلاً جشن‌های میلاد نبوی در تمام مکان‌هایی که احباش در آنجا فعال هستند، به صورت هماهنگ و با حضور عده زیادی برگزار شود. در عرصه رسانه، احباش بسیار فعال هستند و از همان ابتدای پیدایش به این مقوله اهمیت داده‌اند و فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و خبری خود را در چند زمینه سازمان‌دهی کرده‌اند: الف - انتشار مجله «منار الهدی»؛ ب - تأسیس «دار المشارع للطباعة و النشر و التوزيع» که متولی چاپ همه کتب و انتشارات احباش می‌باشد و در نمایشگاه‌های کتاب در لبنان و بیرون از لبنان به صورت فعال حضور دارد؛ ج - تأسیس رادیوی «نداء الايمان»؛ د - شرکت در کنفرانس‌های دینی جهانی و تجمعات بزرگ؛ ه - پخش برنامه‌های تلویزیونی؛ و - تأسیس «گروه سرودهای دینی»؛ ز - تأسیس سایتی بزرگ و پیشرفته بر روی شبکه اینترنت با عنوان «www. aicp. org» به چندین زبان زنده دنیا.

احباش رایزنی‌های خود را با دولت‌های عربی دیگر برای کسب اجازه فعالیت رسمی در چارچوب قانون آغاز نموده‌اند. (همان ص ۱۰۷).

در کشورهایی که احباش شعبه اصلی ندارند، عموماً با دشمنان وهابی‌ها در آن کشور پیوند دارند، زیرا احباش و وهابیون دشمنی سرسختانه‌ای با هم دارند.

هم‌چنین احباش در مسکو دفتری دارند و از طریق آن پی‌گیر فعالیت‌ها و برگزاری جلسات در برخی مساجد می‌باشند. (پیشین، ص ۱۰۸ به نقل از: منار الهدی (۶۳/۳۱)). برخی از اعضا در دانشکده عالی علوم اسلامی مسکو تدریس می‌کنند. (پیشین).

در هند احباش با متصوفه هند علیه وهابیون صف مشترکی را تشکیل داده‌اند و کنفرانس‌های متعددی علیه آنان برگزار نموده‌اند. تقریباً در تمامی جشن‌ها و برنامه‌هایی که در هند برگزار می‌نمایند، هیأتی از طرف جمعیت المشارع لبنان نیز حضور دارند، به گونه‌ای که احباش در مناری الهدی (۵۷-۵۵/۳۱) مدعی شدند: «مشایخ هند گروه‌ها و مراکز وابسته به خود را شعبه‌ای از جمعیت‌المشارع الخیریه الاسلامیه می‌دانند». رئیس دانشگاه سعودیه هند خطاب به احباش می‌گوید: «در جهاد شما علیه وهابیون تروریست که ترور را در صفوف مسلمانان شایع و ترویج

کرده‌اند، شرکت می‌کنیم». (پیشین، به نقل از: منار الهدی (۵۷-۵۵/۳۱)). کتاب‌های شیخ عبدالله حبشی در هند توزیع می‌گردد؛ چنان که زندگی‌نامه شیخ عبدالله و تعدادی از مقالات مجله منارالهدی به زبان هندی ترجمه شده است. (پیشین).

بنابراین ملاحظه می‌گردد در هر جای جهان اسلام حرکتی صوفیانه علیه سلفیون و وهابیون در حال شکل‌گیری و یا فعالیت است، احباش حضوری مؤثر و پررنگ دارند. علاوه بر هند، احباش در سایر نقاط دنیا نیز فعالانه حضور دارند:

«حضور احباش در اروپا، آمریکا، استرالیا و جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق از طریق شعب‌های رسمی، صورت می‌گیرد. احباش تأکید ویژه دارند بر این که مراکز مخصوص به خود مانند مدارس و مساجد در مناطقی که فعالیت می‌کنند، داشته باشند و با امکانات مالی و معنوی که دارند موفق به تأسیس مراکز خود با بهترین و مجهزترین شکل ممکن شده‌اند» (پیشین، ص ۱۰۹).

همواره این سؤال برای کسانی که فرقه احباش را از نزدیک می‌شناسند و نسبت به فعالیت‌های ایشان کنجکاو هستند، مطرح است که احباش این پشتوانه مالی را از کجا کسب کرده‌اند و حامیان ایشان چه کسانی هستند. آن‌چه این سؤالات و شک‌ها را تقویت می‌کند این است که: «ایشان فقط از مراکز متعدد خود حمایت مالی نمی‌کنند، بلکه پروژه‌های اقتصادی پرهزینه‌ای نیز به اجرا می‌گذارند؛ پشتیبانی اقتصادی از اکثر پیروان خود می‌نمایند و برای ایشان ایجاد کار می‌کنند؛ هم-چنین عده‌ای از دانشجویان خود را از پرداخت شهریه معاف می‌کنند؛ استمرار فعالیت هزینه‌بر که عمده آنها فرهنگی می‌باشد، و حمایت مالی از پیروان و بذل و بخشش‌ها، بیان‌گر توان مالی بسیار بالای احباش می‌باشد.» (پیشین، ص ۱۱۰).

مخالفان احباش به دلیل حجم بالای فعالیت‌های اقتصادی و بنیه قوی مالی این گروه، آنان را متهم می‌کنند:

«عده‌ای احباش را متهم می‌کنند به این‌که از بعضی از سفارت‌ها و کشورها و سازمان‌های خارجی، کمک‌هایی دریافت می‌نمایند» (پیشین). دامنه و حجم فعالیت‌های احباش به ویژه در زمان حضور نظامی سوریه در لبنان، دو چندان شد؛ بنابراین سوری‌ها را به حمایت مالی و معنوی از آنان متهم کردند: «جمعیت‌المشارع در زمان حضور نظامی سوریه در لبنان با کسب رضایت سوری‌ها، توانست دامنه نفوذ خود را افزایش دهد، به گونه‌ای که این دوره به «عصر طلایی» آنها معروف شد» (روزنامه کیهان، شوال ۱۴۲۶ - ۱۷ نوامبر ۲۰۰۵ - سال شصت و چهارم - شماره ۱۴۱۸۳۸۴، پنج‌شنبه ۲۶ آبان ۱۳۸۴).

بنابراین مخالفان احباش به این نتیجه رسیدند که: «فرقه احباش در لبنان، توسط دستگاه اطلاعاتی سوریه به وجود آمده است و بین ایشان و رؤسای سازمان اطلاعات حزب بعث سوریه روابط پشت پرده‌ای وجود داشته است؛ این ارتباط علاوه بر این که موجب نفوذ احباش در لبنان

گردیده است، از جانب دیگر، دستگاه اطلاعاتی سوریه در از میان برداشتن مخالفان ایشان همیشه یاریگر آنها بوده است.» (<http://www.akhbaruna.com/node/۳۵۶۶>).

عده‌ای از مخالفان فرقه اُحباش معتقدند پیدایش ایشان به حمایت و کمک‌های سرّی شیعیان لبنان ارتباط مستقیم دارد و شیعیان لبنان از جانب ایران حمایت می‌شوند و اصلاً ایران دخالت مستقیم در شکل‌گیری ایشان داشته است. این در حالی است که این مدّعیان برای ادعای خود سندی محکم، ارائه نکرده‌اند. در هر صورت، این مخالفان دو دلیل عمده برای این ادعای خود عرضه می‌کنند: دلیل اول این‌که پیدایش فرقه اُحباش و اوج قدرت‌گیری ایشان با قدرت‌گیری و نفوذ شیعیان، در لبنان و به ویژه دوران سیطره سوریه بر لبنان؛ که از حامیان اصلی شیعیان لبنان می‌باشد همزمان بوده است. (www.antihabashes.com، ذیل مقاله «الاحباش لعبة و مکیده شیعیة ضد عقیده اهل السنة») و اصلاً دوره تسلط سوریه بر لبنان «عصر طلایی» فرقه اُحباش به شمار می‌آید. (روزنامه کیهان، پیشین). و دلیل دوم، نزدیکی عقاید کلامی اهل تشیع و فرقه اُحباش می‌باشد.

نگارنده معتقد است اگر چه بین عقاید کلامی اُحباش و امامیه نزدیکی‌هایی وجود دارد، اما نمی‌توان صرف این نزدیکی را، ملاک و معیار به وجود آمدن اُحباش از جانب ایران و سوریه دانست.

بخش دوم مبانی و آرای اعتقادی اُحباش و موضع آنان در قبال سایر فرقه‌های اسلامی) جایگاه علم کلام

جایگاه علم کلام نزد اُحباش بسیار مهم و ارزشمند است. آنان معتقدند پیروانشان قبل از هر علمی می‌بایست کلام بیاموزند تا بتوانند هر چه بهتر مبانی اعتقادی خود را بشناسند. برای تحقق این مهم اُحباش علاوه بر آموزش کلام به صورت رسمی در مدارس نمونه ایمان، به صورت فوق‌برنامه نیز در حلقه‌های تابستانی خود، به مردم و دانش‌آموزان، کلام آموزش می‌دهند. در نگاه کلی می‌توان گفت اُحباش به لحاظ عقیدتی، به مکتب کلامی خاص پای‌بند نیستند، بلکه در میان اعتقادات آنان مبانی کلامی مدارس مختلف دیده می‌شود. به همین دلیل گاهی ما شیخ عبدالله را جهمی، و گاهی مرجئه و گاهی جبری و... می‌بینیم.

اُحباش هم‌چون معتزله معتقدند اولین واجب دینی، شناخت خالق است و تا خالق شناخته نشود، عبادت معنا ندارد. شناخت خالق نزد آنان فطری نیست، بلکه نظری و اکتسابی است برای شناخت خالق لازم است فرد به علم کلام آشنا باشد. شیخ عبدالله در اختلاف بین متکلمین نسبت به ضروری - فطری - یا نظری - اکتسابی - بودن معرفت خداوند، نظری بودن معرفت‌الله را ترجیح داده است:

«عده‌ای از ایشان [متکلمان] معتقدند که معرفت خداوند ضروری [فطری] است و نیازی به تفکر و نظر ندارد. امام فخر رازی که یکی از معتقدان به این نظریه است در المعالم می‌گوید: «علم به آن در فطرت کودک سرشته شده است، اگر شما از موضعی که کودک شما را نبیند به صورت او ضربه‌ای

بزنید و به او بگویید که زنده این ضربه فاعلی نداشت، البتّه شما را تصدیق نمی‌کند؛ فراتر از این در نهاد چهارپایان نیز این حسّ نهفته است؛ مثلاً الاغ چون صدای چوب را حسّ کند، عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ چون در فطرت او این‌گونه سرشته شده است که صدای چوب بدون وجود خود چوب محال است» (فخر رازی، معالم اصول الدین، بی‌تا، ص ۲۹ و همو، تفسیر کبیر، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۹۱).

گروهی دیگر معتقدند که معرفت خداوند اکتسابی و نظری است. این رأی صحیح است، الاّ این - که حصول این معرفت با نظر قریب امکان‌پذیر است. به خاطر همین قریب نظر، عده‌ای پنداشته‌اند معرفت‌الله ضروری می‌باشد. شیخ عبدالله در شرح کلام طحاوی می‌گوید: «ارکان ایمان شش چیز می‌باشد که مهم‌ترین آنها ایمان قلبی و بزرگ‌ترین آنها تصدیق وجود خداوند است...» (حبشی، اظهار العقیده السنیة، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۰).

شیخ عبدالله در تأویل صفات الله، بر سبیل اشاعره متأخّر که به جهمیه نزدیک‌اند، رفته است. بنابراین بدون ضابطه، صفات الله را تأویل می‌کند. وی معتقد است نمی‌توان دو صفت «غضب» و «رضاء» را به الله نسبت داد. تقریباً شیخ عبدالله حبشی در تمامی کتاب‌هایش بحث درباره صفات الله را مطرح کرده است و به این مقوله علاقه ویژه‌ای نشان داده است، تا جایی که در این موضوع کتاب مستقلی نگاشته است به نام: «شرح الصفات الثلاث عشرة الواجبه لله تعالی» (نجیمی، پیشین، ص ۳۷۸).

شیخ عبدالله مذهب حق در باب صفات را مذهب اشاعره و ماتریدیه - که به زعم وی این دو مکتب مذهب اهل سنّت و جماعت می‌باشد - می‌داند. (پیشین).

شیخ عبدالله هر صفتی را غیر از صفات دوازده‌گانه که در کتاب «شرح الصفات الثلاثة عشره» از آنها نام می‌برد، تأویل می‌کند، زیرا وی معتقد است اگر این کار را انجام ندهیم، بیان این صفات به شکل ظاهری خود مستلزم تشبیه است. (حبشی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۸).

در باب ایمان، اُحباش پیرو مکتب ارجاء می‌باشند؛ به این ترتیب که عمل را از ایمان به تأخیر می‌اندازند. از این رو نزد آنان یک فرد تا زمانی که در زندگی یک مرتبه «لا اله الا الله» را بر زبان جاری کرده است، اگر چه تارک نماز و فرایض بوده و مرتکب محرّمات شده باشد، مؤمن به شمار می‌آید. علاوه بر این، ایمان نزد اُحباش نقصان و زیادت نمی‌پذیرد؛ از این رو عمل داخل در مسمای ایمان نیست. اُحباش معتقدند تعریف ایمان در لغت عبارت است از «تصدیق»، بنابراین این معنا از ایمان را معنای شرعی آن قلمداد می‌نمایند؛ به همین دلیل، شهادتین به زبان را شرط دانسته‌اند، و حال این‌که عمل در نزد ایشان داخل در مقوله ایمان نیست.

شیخ عبدالله در خاتمه کتب «الصرط المستقیم» می‌نویسد: «خلاصه بحث در این باب [ایمان] این است که هر کس الله و رسولش را بشناسد و این را لفظاً بیان دارد، اگر چه یک مرتبه در عمر باشد و بدان معتقد باشد، او مسلمان و مؤمن است...، لذا برای هر کس اصل ایمان و اسلام ثابت گردید و بدان متعقد شد [به ترتیبی که در بالا ذکر آن آمد]، اگر چه اقدام به اقامه فرایض و تکالیف

عملی از قبیل نمازهای پنج‌گانه و روزه رمضان نکند و از ارتکاب به محرّمات اجتناب نماید؛ مادامی که بر این حال بمیرد، قبل از این که توبه کند، قطعاً از خلود ابدی در آتش [جهنّم] نجات خواهد یافت؛ بدین ترتیب که خداوند با گروهی مسامحه خواهد کرد و ایشان را داخل در جنّت بدون هیچ عذابی، خواهد نمود. و گروهی را پس از عذاب از آتش خارج نموده به جنّت داخل خواهد نمود؛ و اما این که با چه کسانی مسامحه خواهد شد و با چه کسانی مسامحه نخواهد شد، خداوند آگاه است». (حبشی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۷).

شیخ عبدالله و پیروانش معتقدند: «زیادت و نقصان در ایمان نیست. بنای این نظر بر این رأی استوار است که اصل تصدیق یک چیز است و متفاوت و مختلف نیست و اگر تفاوتی هست در صفات آن است [نه در ذات آن]». شیخ عبدالله اختلاف در این مسئله را لفظی می‌داند. وی در شرح سخن [امام] طحاوی می‌گوید: «ایمان یکی است و ایمان‌داران در دارا بودن اصل آن با هم مساوی هستند؛ اگر تفاضلی هست به واسطه خشیت، تقوا و مبارزه با نفس... می‌باشد». (حبشی، اظهار العقیده السنیة، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۸-۲۲۹).

در باب نبوت، احباش نبوت را اثبات می‌کنند و آن را جزء ارکان ایمان می‌دانند؛ اما ایشان اثبات نبوت را به وسیله معجزات ممکن می‌دانند: «در نظر ایشان مادامی که معجزه نباشد، تصدق انبیا ممکن نخواهد شد». (حبشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲-۳۴، همو، ۱۴۱۰، ص ۱۵۰).

احباش از این که همه صحابه را عادل بدانند، امتناع می‌ورزند و صفت عدالت را مختصّ طبقه بالای صحابه [وَالسَّابِقُونَ الْأَوْلُونَ] می‌دانند و کسانی را که در این دسته قرار نمی‌گیرند، داخل در عدالت نمی‌دانند. (حبشی، إظهار العقیده السنیة، ص ۲۹۷-۲۹۸).

شیخ عبدالله درباره مسئله فتنه بین اصحاب می‌گوید: «جمیع کسانی که با علی جنگیده‌اند، گناهکار می‌باشند». وی معتقد است کار ایشان در دایره اجتهاد قرار نمی‌گیرد، بلکه کار آنها گناه واضح و روشنی می‌باشد. وی در قصیده‌ای که سروده است به صراحت به این موضوع اشاره می‌کند:

يقول عبدالله هو الهرري الاشعري الشافعي العبدري
الحمد لله الذي قد شرعا مذهب اهل الحق ان يتبعوا
ان الذين قاتلوا علياً من الصحاب اثموا جلياً

هم‌چنین شیخ عبدالله علمایی را که حوادث بین صحابه را بر اجتهاد حمل نموده‌اند، مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است: «کلام ایشان شطح می‌باشد». (حبشی، ۱۴۱۰، ص ۲۴۳-۲۴۴).

نظر شیخ عبدالله درباره بدعت این است که دو نوع بدعت وجود دارد: ۱- بدعت حسنه: که سنت حسنه نیز نامیده می‌شود و عبارت است از محدثی که موافق قرآن و سنت است؛ ۲- بدعت سیئه: که سنت سیئه نیز نامیده می‌شود و عبارت است از محدثی که مخالف قرآن و حدیث [سنت] می‌باشد. (حبشی، ۱۴۱۳ق، ص ۹۴-۹۵).

در خصوص شفاعت، شیخ عبدالله در شرح عقاید نسفیه و تفسیر حدیث «شفاعتی لاهل الکبائر من امتی»، می‌نویسد: «معنای این حدیث این است که نیازمندان به شفاعت نبی ﷺ مرتکبان گناهان کبیره هستند و نه غیر ایشان چرا که غیر ایشان نجات یافتگان هستند و نیازی به شفاعت ندارند». (حبشی، المطالب الوفیة، ص ۱۲۷-۱۲۸؛ همو، ۱۳۹۷ق، ص ۱۳۷).

احباش تلاشی خستگی‌ناپذیر برای ترویج فرهنگ تقدیس قبور بین مسلمانان از خود نشان می‌دهند؛ از این رو به صورت متعدّد در نشریه منارالهدی و بر روی سایت اینترنتی خود عکس‌های زیادی از ضریح قبور چاپ می‌کنند و ضمن این تصاویر مقالاتی که در آنها مردم را به توسّل، تبرک و استغاثه فرامی‌خوانند، به چاپ می‌رسانند. هم‌چنین شیخ عبدالله در بیان دلیل تألیف کتاب «المقالات السنیة فی کشف ضلالات ابن تیمیه» می‌گوید:

«هدف از بیان این اجماع بر جواز توسّل به انبیا و اولیا بعد از وفاتشان و توجّه و زیارت قبور ایشان به قصد تبرک، شرک نیست و اگر کسی قبری را برای تبرک لمس نماید، جایز می‌باشد و این عمل شرک نیست و حرام نیز نمی‌باشد، می‌باشد» (حبشی، المقالات السنیة، ۱۴۱۷ق، ص ۹).

احباش و سایر فرقه‌ها و علمای اسلام

از مطالعه آثار شیخ عبدالله حبشی چنین برمی‌آید که وی و شاگردانش به علمای سلفی و وهابی و در کل با کسانی که با تصوّف میانه خوبی ندارند، روی خوش نشان نمی‌دهند؛ این نوع دید، تمامی علمای گذشته و حال را شامل می‌شود: «شیخ عبدالله یکی از بزرگان علمای گذشته به نام امام عثمان بن سعید دارمی را چنین وصف می‌کند: «وی از رفوس مشبه بود» (پیشین، ص ۸۹۶).

هم‌چنین از علمای گذشته احباش، «امام الاثمه «ابن خزیمه» را تکفیر می‌کنند و کتاب وی «التوحید» را کتاب شرک می‌نامند» (نجیمی، ج ۲، ص ۱۱۶۷).

شیخ عبدالله درباره امام ذهبی می‌نویسد: «هنگامی که از ذهبی به عنوان خبیث صحبت شود، وی در آن جایگاه قرار می‌گیرد... که ذهبی از جمله کسانی بود که قلبشان از توسّل به نبی رویگردان می‌باشد». (حبشی، المقالات السنیة، ص ۱۱۲).

این خلاصه‌ای از اعتقاد احباش و شخص شیخ عبدالله درباره علمای گذشته بود که لبه تیز حملات آنها متوجه ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب می‌باشد.

و اما اعتقاد ایشان درباره علمای معاصر:

شیخ عبدالله درباره شیخ آلبنی می‌گوید: «وی اگر مسلمان مرده باشد...» (حبشی، ۱۴۰۵ق، ص ۸۹) و چنان که گفته شد، اختلاف آلبنی و شیخ عبدالله بر سر احادیث، عمیق بود. شیخ عبدالله به علم آلبنی در علم الحدیث اعتقادی نداشت؛ این در حالی است که امت اسلامی در دوره معاصر وی را محدث بزرگی می‌دانستند. شیخ عبدالله درباره وی می‌نویسد: «بداند [آلبنی] و پیروانش، آن چه از

حدیث تصحیح یا تضعیف نموده است، در قانون اهل حدیث بیهوده می‌باشد و اعتباری ندارد...» (حبشی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۸۱).

شاگردان شیخ عبدالله، شیخ آلبانی را تکفیر می‌کنند و او را «گمراه گمراه کننده می‌نامند» (صریح البیان، (۱۸۰-۱۸۱)). در نظر آنان آلبانی متهم است به این که فتوا به خراب کردن قبر رسول ﷺ داده است و معتقدند وی به منتقل کردن قبر پیامبر از مدینه منوره به صحرا فتوا داده است (نجیمی، ج ۲، ص ۱۱۶۹، به نقل از: منار الهدی، شماره ۳۹، ص ۴۸).

شیخ عبدالله درباره شیخ سید سابق می‌گوید: «وی مجوسی است، اگر چه ادعا کند از امت محمد می‌باشد» (حبشی، ۱۴۰۷، ص ۳۷).

علمای دیگری که در تیررس اتهامات أحباش قرار دارند عبارت‌اند از: مفتی سابق لبنان شیخ حسن خالد، که او را تکفیر می‌کنند. آنها هم‌چنین عبدالعزیز بن عبدالله بن باز را تکفیر می‌کنند و معتقدند وی فتوای‌هایی در خشنودی شیطان و صهونیست‌ها صادر کرده است (نجیمی، پیشین، ص ۱۱۷۱، به نقل از: منار الهدی، شماره ۳۰، ص ۳۴) و از وی به عنوان حلیف صهونیست‌ها نام می‌برند. (پیشین).

أحباش استاد سید قطب را نیز تکفیر می‌کنند: «کتابی تحت عنوان «النهج السوی فی الرد علی سید قطب و تابعه فیصل مولوی» نگاشتند. ایشان در این کتاب به سید قطب می‌تازند؛ نیز به قاضی فیصل مولوی که به دفاع از سید برخاسته است. شیخ حسن قاطرجی - رئیس جمعیت علمای اسلامی لبنان - را تکفیر می‌کنند و کتابی در رد وی نوشته‌اند به نام: «القول الفصل المنجی فی الرد علی حسن قاطرجی» (حبشی، پیشین).

از دیگر شخصیت‌های اسلامی که توسط أحباش تکفیر شده‌اند، می‌توان از یوسف قرضاوی نام برد. آنها کتاب‌هایی در رد وی نگاشته‌اند، از جمله: «النقض الکاوی علی یوسف القرضاوی»، «تنبه المسلمین من ضلالات یوسف القرضاوی» تألیف دکتر سید ارشاد احمد البخاری مدیر کل مرکز پژوهش‌های اسلامی در بنگلادش، «القرضاوی فی العراء: دراسة نقدیه منهجیه موثقه تبین مخالفات القرضاوی لصحیح النقل و صریح العقل». در خاتمه این کتاب أحباش توصیه می‌کنند که مسلمانان نمی‌بایست حتی برای یک لحظه و نیز برای آگاهی از اشتباهات قرضاوی کتاب‌های وی را مطالعه نمایند، چون بلافاصله فریفته می‌شوند. (پیشین).

علاوه بر این: «بر روی شبکه‌های اینترنتی مقالات متنوع و مختلف علیه وی نگاشته‌اند. دلیل این دشمنی با قرضاوی این است که ایشان از وی خواسته‌اند که ابن تیمیّه را تکفیر نماید، و چون مقاومت کرده است با وی دشمن شده‌اند» (نجیمی، پیشین، ص ۱۱۷۳).

۱- این کتاب توسط نگارنده از سایت : <http://alhabashi.info/FAQ> دانلود شده است.

هم‌چنین أحباش «مفتی جبل لبنان شیخ محمدعلی جوزو که در رد أحباش کتاب «إطلاق الأئمة فی الكشف عن مخالفات الحبشی للکتاب و السنه» را نگاشته است، تکفیر می‌کنند» (پیشین).

باید اضافه کرد که عمده این شخصیت‌ها یا اخوانی هستند و یا سلفی: «شیخ فیصل المولوی (لبنان)»، «شیخ عبدالله یوسف الجدیع (انگلیس)»، «شیخ سعید الباذنجی (انگلیس)»، «شیخ محمد فؤاد البرازی (دانمارک)»، «شیخ راشد الغنوشی (تونس)»، «شیخ عصام احمد البشیر (سودان)»، «شیخ عبدالرحیم الطویل (اسپانیا)»، «شیخ محمد مجاهد (بلژیک)»، «شیخ علی یوکسال (شیخ الاسلام در اروپا که اصالتاً اهل ترکیه می‌باشد)»، «دکتر احمد الراوی (لندن)»، «شیخ حسن حلاوة (ایرلند)»، «شیخ محمد رشید رضا (مصر)»، «حسن الترابی (سودان)» و... (القرضاوی فی العراء، پاورقی ص ۱۸).

علاوه بر این، أحباش کتابی را با عنوان: «رسالة تحذیر من فرق الضلال الثلاث الوهابیه و جماعة حزب الإخوان و أتباع سید قطب و جماعة حزب التحریر أتباع تقی الدین النبهانی»، نگاشته‌اند.

أحباش با دانشگاه الأزهر مصر نیز روابط خوبی ندارند؛ دلیل این امر نیز این است که در دیداری که مدیر الأزهر دکتر احمد عمر هاشم از لبنان داشت، أحباش با وی دیدار کردند. این دیدار باعث گردید که أحباش اعلام کنند که مجوز تأسیس شعبه‌ای از الأزهر، از جانب وی برای ایشان صادر گردیده است. دکتر احمد عمر هاشم این مطلب را تکذیب کرد و این خود باعث کدورت بین أحباش و وی گردید و آنها وی را تکفیر کردند. این قضیه برای أحباش بسیار سنگین بود، زیرا الأزهر نماینده اشاعره در دنیای تسنن می‌باشد و أحباش نیز مدعی پیروی از ابوالحسن اشعری می‌باشند. این قضیه تا حدی جمعیت‌المشاریع الخیریه را زیر سؤال برد.

نتایج پژوهش

نگارنده با هدف شناساندن فرقه أحباش به جامعه علمی فارسی‌زبان، این پژوهش را انجام داده است. آنچه در پی می‌آید، نتایج پژوهشی مفصل است که به اختصار بخشی از آن در این مقاله آمده است.

- شناخت عبدالله حبشی هرری هنوز از لابه‌لای منابع به صورت قطعی ممکن نگردیده است. این که وی در اتیوپی مدافع مسلمانان بوده است و یا همراه حاکمان مسیحی بوده، در حاله‌ای از ابهام می‌باشد. اگر چه منابع مخالف و موافق در نظرات خود به صورت قطعی نظر داده‌اند، اما نگارنده از منابع در دسترس به نتیجه‌ای قطعی نرسیده است. آنچه برای نگارنده محقق گردید، این است که در محیط تصوف‌زده‌ای که عبدالله هرری در آن پرورش یافت، اگر هر کس دیگری نیز پرورش می‌یافت، شاید همین اعتقادات را داشت.

- آثار تألیفی شیخ عبدالله بیشتر شرح و تلیف می‌باشد.

- منابع مالی أحباش برای نگارنده ناشناخته مانده است، هر چند تاکنون هیچ منبع دیگری نیز نتوانسته است به طور قطع به منابع مالی أحباش اشاره نماید.

- نگارنده به این نتیجه رسید که اختلاف أحباش در بعضی از مبانی اعتقادی و کلامی، به دلیل استناد آنان به منابع نقلی شاذ می‌باشد؛ برای مثال، اگر اکثریت مسلمانان در مسئله‌ای به اجماع رسیده‌اند، أحباش به نتیجه‌ای متفاوت در همان باب رسیده‌اند؛ مثل مسئله شفاعت.

- جایگاه علم کلام در نزد أحباش بسیار مهم و ارزشمند می‌باشد. آنان معتقدند پیروانشان قبل از هر علمی باید کلام بیاموزند تا بتوانند هر چه بهتر مبانی اعتقادی خود را بشناسند. برای تحقق این مهم أحباش علاوه بر آموزش کلام به صورت رسمی در مدارس نمونه ایمان، به صورت فوق برنامه نیز در حلقه‌های تابستانی خود، به مردم و دانش‌آموزان کلام آموزش می‌دهند.

- أحباش هم‌چون معتزله معتقدند اولین واجب دینی، شناخت خالق است و تا خالق شناخته نشود، عبادت معنا ندارد. شناخت خالق نزد آنان فطری نیست، بلکه نظری و اکتسابی است. برای شناخت خالق فرد باید با علم کلام آشنا باشد.

- أحباش به لحاظ عقیدتی به مکتب کلامی خاصی پای‌بند نیستند، بلکه در میان اعتقادات آنان مبانی کلامی مدارس مختلف دیده می‌شود. به همین دلیل گاهی شیخ عبدالله را جهمی، گاهی مرجئه و گاهی جبری و... می‌بینیم.

- شیخ عبدالله در تأویل صفات الله بر سبیل اشاعره متأخر که به جهمیه نزدیک‌اند، رفته است. بنابراین مشاهده می‌شود که بدون ضابطه، صفات الله را تأویل می‌کند. وی معتقد است نمی‌توان دو صفت «غضب» و «رضاء» را به الله نسبت داد. أحباش معتقدند اگر کسی صفاتی مثل «علو» را برای خداوند ثابت کند، کافر شده است.

- در باب ایمان، أحباش پیرو مکتب ارجاء می‌باشند؛ به این صورت که عمل را از ایمان به تأخیر می‌اندازند. از این رو آنان معتقدند وقتی شخص یک مرتبه در زندگی «لا اله الا الله» را بر زبان جاری کرده است، اگر چه تارک نماز و فرائض باشد و مرتکب محرمات شده باشد، مؤمن به شمار می‌آید. علاوه بر این، ایمان نزد أحباش نقصان و زیادت نمی‌پذیرد؛ از این رو عمل در مسامی ایمان داخل نیست.

- در مورد صحابه، أحباش بر طریق امامیه رفته و برخی از صحابه را عادل می‌دانند.
- در باب استغاثه، استعانت و استعاذه از صاحبان مقابر، به واسطه قرب آنان نزد الله، بر طریق امامیه، رفاعیه و نقشبندیه رفته‌اند.

- أحباش در مسئله «قدر» پیرو مکتب جبر بوده و معتقدند کافر از جانب الله بر کفرش می‌ماند و اگر اعانت الهی نباشد، کافر نمی‌تواند بر طریق کفر بماند.

- در باب توحید، أحباش فقط به توحید ربوبیت معتقدند، از این رو استغاثه، استعانت، استعاذه و... از غیر الله را نقصانی برای توحید خداوند نمی‌دانند.

- أحباش معتقدند نبی فقط از طریق معجزه قابل شناخت می‌باشد.

- أحباش معتقدند بدعت دو گونه است: بدعت سیئه و بدعت حسنه؛ بدعت سیئه ناپسند می‌باشد.

- أحباش معتقدند کسانی که به توسل و تبرک به نبی معتقد نیستند، کافر می‌باشند. از طرف دیگر، آنها معتقدند مؤمنان در قیامت به شفاعت نبی محتاج نیستند و شفاعت نبی فقط مخصوص اهل کباب می‌باشد. (این اعتقاد در باب شفاعت نبی از جمله بدعت‌های أحباش می‌باشد).

- روابط أحباش با جمیع فرقه‌های تصوف غیر از تیجانیه حسنه می‌باشد.

- أحباش در فقه به‌رغم مدعای خود فقط پیرو مکتب فقهی محمد بن ادریس شافعی نمی‌باشند، بلکه در بعضی موارد به فتاوی مخالف شوافع نیز عمل می‌نمایند.

- أحباش در بین اکثریت فرقه‌ها و احزاب اسلامی معاصر غیر از طرق صوفیه، منفور می‌باشند و روابطی خصمانه با هم دارند.

- أحباش بزرگ‌ترین دشمنان خود را سلفی‌ها و اخوان‌المسلمین و حزب‌التحریر می‌دانند.

- نگارنده معتقد است اگر چه در ابتدا أحباش به اندک تساهل و تسامح با سایر فرقه‌های اسلامی عمل می‌کردند، اما به محض قدرت گرفتن کاملاً از فرقه‌ای منفعل به گروهی فعال تبدیل شدند و در برابر دشمنان خود مواضعی خصمانه در پیش گرفتند.

منابع و مآخذ

۱. جماعة من الباحثين، الاحزاب و الحركات و الجماعات الاسلاميه، مركز عربي للدراسات الاستراتيجية، دمشق، ۲۰۰۰م.
۲. جهني، د. مانع بن حَمَاد، الموسوعة الميسرة في الاديان و المذاهب و الاحزاب المعاصرة، دار الندوة العالمية للطباعة و النشر و التوزيع، رياض، چاپ چهارم، ۱۴۲۰م.
۳. حبشي، عبدالله، اظهار العقيدة السنية بشرح العقيدة الطحاوية، دارالمشايخ للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، ۱۴۱۷ق.
۴. _____، بغية الطالب لمعرفة العلم الديني الواجب، دارالمشايخ للنشر و التوزيع، بيروت، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۵. _____، التعقيب الحثيث على من طعن فيما صح من الحديث أو تحقيق البيان في سبحة أهل الإيمان، دارالمشايخ للنشر و التوزيع، بيروت، ۱۴۰۵ق.
۶. _____، الدليل القويم على الصراط المستقيم، بی‌نا، بيروت، ۱۳۹۷ق.
۷. _____، شرح الصفات الثلاث عشرة الواجبة لله، دارالمشايخ، بيروت، ۱۴۱۶ق.
۸. _____، الصراط المستقيم، دارالمشايخ للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، ۱۴۱۳ق.
۹. _____، صريح البيان في الردة على من خالف القرآن فأنكر كفر ساب النبي، دارالمشايخ للنشر و التوزيع، بيروت، ۱۴۱۰ق.

۱۰. الحیسی، عبدالله، المطالب الوفیہ شرح العقیدة التسفیة، دارالمشاریع للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۱۱. _____، المقالات السنیة فی کشف ضلالات احمد بن تیمیة، دارالمشاریع للنشر و التوزیع، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
۱۲. دمشقیة، عبدالرحمن، موسوعة اهل السنه فی نقد اصول فرقة الأحباش و من وافقهم فی أصولهم، دارالمسلم للنشر و التوزیع، ریاض، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۳. شهرانی، سعد بن علی، فرقة الأحباش: نشأتها- عقائدها- آثارها، دارعالم الفوائد، مكة مكرّمه، ۱۴۲۲ق.
۱۴. فخر رازی، أبو عبدالله محمد بن عمر، المعالم اصول الدين، تحقیق: طه عبدالرئوف، مكتبة الكليات الأزهریة، قاهره، بی تا.
۱۵. القرضاوی فی العراء.
۱۶. هری، یوسف عبدالرحمن، المؤامرة الكبرى بكلب علی الجمعیة الوطنیة الاسلامیة و مدارسها بھر عام ۱۳۶۷ق / ۱۹۴۸م، مذكرة مطبوعة، بی تا، بی جا، بی تا.

مصاحبه

۱. مصاحبه یا استاد اسعد سحرمانی، استاد فلسفه دانشکده امام اوزاعی لبنان، کنفرانس وحدت اسلامی، فروردین ۱۳۸۶.

مقالات

۱. «جمعیة الأحباش لبنان و قضیة ترور حریری» روزنامه کیهان، شوال ۱۴۲۶- ۱۷ نوامبر ۲۰۰۵- سال شصت و چهارم - شماره ۱۸۳۸۴، ۱۴، پنجشنبه ۲۶ آبان ۱۳۸۴.
۲. نجیمی، محمد بن یحیی، مقاله: «فرقة الأحباش... بین الدین و السیاسة و الإرهاب»، ارائه شده در سایت: www.saudiinfocus.com
۳. مقاله «الأحباش لعبة و مکیده شیعیة ضد عقیدة اهل السنه»، ارائه شده در سایت: WWW.antihabashis.com

سایتها

۱. www.alhabashi.info
۲. www.akhbaruna.com

